

بحران مالی جهانی و تأثیر آن بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

با پیدایش بحران مالی، اقتصاد جهانی به عرصه نوینی ورود پیدا کرد. گسترش بحران به بخش واقعی اقتصاد کشورها، موجی از بیکاری و ورشکستگی را به دنبال داشت و چشم‌انداز رشد اقتصاد جهانی را دست‌کم تا سال ۲۰۱۰ با ابهام مواجه ساخت. در این میان، کاهش قیمت انرژی، کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران را با چالش مواجه ساخته است و ادامه این روند، افت ذخایر ارزی، کسری تراز بازرگانی و نوسانات در بازار ارز را تشدید می‌نماید. اما از سوی دیگر، ایران با اتخاذ سیاست‌های مناسب قادر خواهد بود از آسیب و شوک ناشی از فضای کنونی بین‌المللی مصون مانده و از فرصت‌های بوجود آمده، حداکثر استفاده را بنماید.

۱. نگاهی به روند شکل‌گیری و گسترش بحران

کارشناسان، وضعیت اخیر اقتصاد آمریکا را بزرگترین بحران اقتصادی این کشور پس از رکود دهه ۱۹۳۰ میلادی می‌دانند. رکود در بخش مسکن (از سال ۲۰۰۶) و سرایت آن به بازارهای مالی (از اواسط سال ۲۰۰۷) تاکنون راه خود را به سمت حاکمیت یک بحران بر اقتصاد آمریکا پیموده است. در تحلیل زمینه‌های این رکود عظیم اقتصادی، می‌توان از دو زاویه به موضوع نگریست. اول، تحلیل کلان اقتصادی و فرابخشی که عمدتاً ناظر بر نارسایی‌های ذاتی مکتب سرمایه‌داری و جهت‌گیری نظام‌های غربی در راستای مقررات‌زدایی، تطور دلار در اقتصاد جهانی و سیاست‌هایی از این دست می‌باشد. این روند اگرچه به بازسازی اقتصادهای غربی و

آسیب‌دیده از جنگ‌های جهانی کمک کرد و ۵ دهه رشد اقتصادی را (به طور متناوب و با نوسان) به همراه داشت، اما سرانجام ضعف‌ها و کاستی‌های آن سر باز کرد و در آغاز هزاره جدید، بزرگترین رکود اقتصادی ۸ دهه گذشته را رقم زد.

دیدگاه دوم، نگاه بازارهای مالی و تحولات درون‌بخشی است. با افزایش نرخ بهره فدرال رزرو (از سال ۲۰۰۵) و افزایش نرخ بهره تعدیل‌شونده وام‌های بانکی، بسیاری از وام‌گیرندگان، دیگر قادر به بازپرداخت اقساط نبوده و موجی از مصادره واحدهای رهنی در ازاء وام‌های پرداختی آغاز گردید. با رکود بخش مسکن، مؤسسات مالی و بازارهای ثانویه، دیگر حاضر به خرید اوراق بهادار رهنی بانک‌ها و یا بازخرید آنها از

سرمایه‌گذاران نبودند. از اواسط سال ۲۰۰۶ اثرات رکود در بازار مسکن نمایان شد و شاخص قیمت در این بخش، کاهش یافت. در نتیجه، با بالا رفتن میزان ریسک مشتقات مالی، ارزش سهام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دارنده این اوراق رهنی افت نموده و بازار بورس نیویورک را (از نیمه سال ۲۰۰۷) با کاهش شدید شاخص سهام مواجه ساخت. با سرایت بحران مالی به اقتصاد دیگر کشورها از سال ۲۰۰۸ میلادی، اقتصاد جهانی پا به مرحله نوینی از تحول خود گذارد. گسترش بحران به بخش واقعی اقتصاد کشورها، موجی از بیکاری، ورشکستگی و ادغام، کاهش تجارت خارجی، نزول سطح قیمت‌ها و حتی برخی نارضایتی‌های اجتماعی و تحولات سیاسی را به دنبال داشت. شاخص‌های بازارهای مالی، قیمت کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای و نهادهای تولید کاهش شدیدی را تجربه نمود. رشد اقتصادی اغلب کشورهای عمده روندی کاهشی داشته و پیش‌بینی‌ها، چشم‌انداز مایوس‌کننده‌ای را (لااقل) تا سال ۲۰۱۰ میلادی ترسیم می‌نماید.

در این میان، اغلب دولت‌ها، به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی، درصدد برآمده‌اند تا با اتخاذ تدابیری همچون تضمین سپرده‌گذاران و بازپرداخت و تضمین بدهی بانک‌ها توسط دولت‌ها، کمک مالی به مؤسسات مالی، کاهش نرخ سپرده قانونی و نرخ‌های بهره و تزریق سرمایه اقتصاد خود را نجات دهند. اما این اقدامات که بسیاری از آنها حتی مستلزم زیر پا گذاشتن اصول اقتصاد بازار و مداخله مستقیم دولت در اقتصاد و حتی ملی‌سازی نهادهای خصوصی و اعمال کنترل‌های دولتی بود، تاکنون از توفیق چندانی برخوردار نبوده است. در حال حاضر دامنه بحران، نه تنها کشورهای صنعتی و غربی، بلکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور را نیز دربر گرفته است و هر یک

متناسب با ساختارهای اقتصادی و درجه ادغام در بازارهای جهانی، از این نابسامانی متأثر گردیدند.

۲. تأثیرپذیری اقتصاد ایران از بحران جهانی

اقتصاد ایران و به ویژه بازارهای مالی کشور به دلیل عدم ادغام در اقتصاد جهانی و همچنین فضایی که در نتیجه تحریم کشورهای غربی ایجاد شده بود، طی بحران اخیر تا حد زیادی از اثرات مستقیم تحولات بوجود آمده به دور مانده است. ولی ابعاد بحران در حدی است که حتی تحمل آثار غیرمستقیم آن بسیار پرهزینه و دشوار خواهد بود. در واقع هرچه از مبداء زمانی بحران فاصله می‌گیریم، اثرات تأخیری آن در بخش‌های حقیقی اقتصاد، تدریجاً نمایان می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت هرچند اقتصاد کشور در کوتاه مدت در معرض تأثیر این بحران قرار نگرفت اما با گذشت زمان با ظاهر شدن آثار درآمدی کاهش قیمت نفت خام بر بودجه و تراز تجاری و همچنین کاهش قیمت محصولات پتروشیمیایی و فلزی، آثار بحران مالی بین‌المللی بر اقتصاد کشور ظاهر گردیده و در کنار تبعات تحریم‌ها خود را نشان خواهد داد. در ادامه به بررسی برخی از ابعاد بحران در بخش‌های عمده اقتصاد کشور اشاره خواهیم کرد.

الف) اثرات منفی بحران بر اقتصاد ایران

۱. بخش نفت

بروز رکود اقتصادی در سطح بین‌المللی و در نتیجه آن کاهش تقاضای جهانی برای نهادهای انرژی، تقریباً همه اقتصادهای تک‌محصولی و صادرکنندگان نفت را متأثر گرداند. تشدید رکود جهانی، سقوط بهای نفت خام را از اواسط سال ۲۰۰۸ و تضعیف مهم‌ترین منبع درآمد ارزی کشور را به دنبال داشته است. بهای سبد نفتی اوپک از

۱. بحران نقدینگی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ آمریکا، تهدیدها و فرصت‌ها برای ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مهرماه ۱۳۸۷.

۲. ذخایر ارزی

در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی و ضرورت استفاده بیشتر از حساب ذخیره ارزی جهت تأمین بودجه، انتظار می‌رود ذخایر ارزی کشور که طی سال‌های اخیر روندی افزایشی را طی نموده بود، با روندی کاهشی مواجه گردد و این امر علاوه بر تأثیرگذاری در روند تأمین منابع درآمدی بودجه کشور اثرات سوء در تأمین نیاز ارزی بخش‌های تولیدی و صنعتی کشور از محل حساب ذخیره ارزی را به دنبال خواهد داشت. چنانکه آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد، تسهیلات پرداختی از محل حساب ذخیره ارزی طی ۹ ماه نخست سال ۱۳۸۷ نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۷۵ درصد کاهش داشته است.

علاوه بر آن با توجه به نوسان در برابری ارزش‌های خارجی و خصوصاً کاهش ارزش دلار آمریکا در برابر یورو، چنانچه مدیریت مناسبی در تعیین ترکیب سبد ذخایر ارزی کشور اعمال نگردد، تأثیرات سوئی بر ارزش ذخائر ارزی و ثروت اندوخته کشور خواهد داشت. بر اساس آمار بانک مرکزی اتحادیه اروپایی ارزش دلار آمریکا در مقابل یورو از ابتدای سال ۲۰۰۲ میلادی تا ژوئیه سال ۲۰۰۸ حدود ۷۶ درصد کاهش یافت و از این مقطع تا فوریه سال ۲۰۰۹ تا حدود ۲۰ درصد تقویت شد. این نوسان شدید برابری ارزشها علاوه بر تغییر ارزش ذخایر کشور، می‌تواند نوسان نرخ ارز در بازار داخلی را نیز به دنبال داشته باشد. در صورتی که از طریق پیش‌بینی سازوکارهای مناسب، کسری نیازهای ارزی دولت از محل ذخایر ارزی قابل تأمین باشد، می‌توان شرایط نسبتاً باثبات‌تری را در بازار داخلی ارز پیش‌بینی نمود.

۳. تجارت خارجی

با توجه به کاهش سطح تقاضای جهانی در بخش‌های صنعتی و بازارهای مصرفی، روند تجارت

متوسط ۲۳ دلار در سال ۲۰۰۱ به رکورد ۱۳۱ دلار در ژوئیه ۲۰۰۸ رسید (افزایش ۵,۷ برابری) که موجی از درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری‌های بالادستی در این حوزه را به دنبال داشت. اما در ادامه، بهای نفت روند نزولی را در پیش گرفت و با کاهش ۵۰ درصدی به حدود ۶۴,۴ دلار در ژوئیه ۲۰۰۹ رسید.

بخش نفت در اقتصاد کشور ما با اختصاص سهم ۲۷ درصدی از کل تولیدات جاری (سال ۱۳۸۶) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در بودجه عمومی دولت نیز حدود دو سوم درآمدها از تولید و صادرات این محصول منشاء می‌گیرد که اگرچه این سهم طی روند ملایم نزولی به ۶۶ درصد در سال ۱۳۸۷ رسیده است، اما این وضعیت با توجه به اهداف کلان اقتصاد کشور، رقم بالایی محسوب شده و اتکای زیاد بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی را نشان می‌دهد. در تشریح اثرات این نوسان شدید بهای نفت بر اقتصاد کشور، چنانچه متوسط صادرات روزانه نفت خام ایران را ۲,۴ میلیون بشکه در نظر بگیریم، هر ۱ دلار نوسان قیمت‌های جهانی نفت خام، به میزان حدود ۹۰۰ میلیون دلار درآمد سالانه ارزی کشور را از این محل، متأثر می‌سازد.

تحولات بخش نفت، نه تنها از طریق بودجه، بلکه از حیث سرمایه‌گذاری‌های بالادستی و مسائل فنی هم قابل بررسی است. علاوه بر فشار تحریم‌های مالی علیه کشور، به دلیل کمبود منابع مالی بین‌المللی و گران‌تر شدن پول، می‌توان انتظار داشت قراردادهای تأمین مالی که پیش از این منعقد شده بود با رکود مواجه گردند و حجم سرمایه‌گذاری و به تبع آن سطح اشتغال کاهش یابند. این نگرانی در حوزه گاز و در سایر کشورها و مناطق جهان نیز مطرح می‌باشد.

جهانی متأثر از این بحران روندی نزولی را در ماه‌های اخیر طی نموده است. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرد حجم تجارت جهانی در سال ۲۰۰۹ به میزان ۱۲,۲ درصد و متوسط بهای کالاهای غیرنفتی ۲۳/۸ درصد کاهش یابد. به طوری که گردش مالی در تجارت خارجی ۲۳ کشور عضو OECD در فوریه سال جاری نسبت به سال گذشته ۳۳ درصد کاهش داشته است. البته این میزان، با توجه به حوزه‌های جغرافیایی و طرف‌های عمده تجاری برای کشورها، متفاوت است.

با این حال آمار و ارقام گمرک جمهوری اسلامی ایران بیانگر توفیق نسبی بخش تجارت خارجی کشور می‌باشد. وزن و ارزش صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران طی سال ۱۳۸۷ نسبت به سال قبل از آن به ترتیب ۲,۳ و ۱۸ درصد افزایش داشت در حالی که رشد وزنی و ارزشی واردات کشور در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال قبل از آن به ترتیب ۵,۵ و ۱۵,۳ درصد بوده است. شاید بتوان یکی از دلایل موفقیت نسبی کشور در افزایش صادرات را افزایش تبادلات تجاری با کشورهای همسایه (عراق و افغانستان) و نیز برخی اقتصادهای در حال توسعه (چین، هند، امارات متحده عربی و عربستان) دانست که تأثیر کمتری را (نسبت به آمریکا و اروپا) از بحران اخیر متقبل شده‌اند. با این حال باید توجه داشت که افزایش حدود ۳ میلیارد دلاری درآمد صادرات غیرنفتی در مقابل افزایش حدود ۷ میلیارد دلاری هزینه‌های وارداتی مطرح می‌باشد. تأثیرپذیری اقلام صادراتی کشور نیز متفاوت است چنانکه بخشی از صادرات غیرنفتی کشور را اقلام غیرضروری و ککش‌پذیر (مانند فرش، پسته، زعفران و صنایع دستی) تشکیل می‌دهند که در نتیجه شدت کاهش تقاضا و افت قیمت در آنها بیشتر خواهد بود. علاوه بر مسیر تجارت قانونی باید به این نکته نیز توجه داشت که به دلیل افت

قیمت‌ها در سطح جهانی، با افزایش ورود کالاهای قاچاق مواجه خواهیم شد که در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های حمایتی مناسب (به ویژه در تنظیم تعرفه‌های تجاری) می‌تواند لطمات جدی به صنایع و تولیدکنندگان داخلی وارد سازد.

۴. بورس اوراق بهادار

از آنجا که بورس جمهوری اسلامی ایران ارتباط بسیار محدودی با بورس سایر کشورها دارد (ادغام کمتر از ۲ درصدی در بازارهای جهانی)، اثرپذیری مستقیم بورس کشور کمتر می‌باشد و سقوط یا ورشکستگی هیچیک از مؤسسات مالی بزرگ دنیا نتوانست تأثیری روی منافع سهام‌داران ایرانی در بورس به جا گذارد ولی با این حال با گسترش دامنه بحران مالی ایالات متحده و تسری آن به اروپا و آسیا - که کاهش بیشتر قیمت کالاهای اساسی نظیر نفت، فلزات و محصولات پتروشیمیایی را به همراه داشت - و همچنین آثار روانی بحران در عملکرد بورس کشور مؤثر بوده است.

شایان ذکر است که حدود ۶۰ درصد بورس ایران مربوط به محصولات فلزی است و شرکت‌های پتروشیمی سهم قابل توجهی در بورس ایران دارند، از این رو کاهش قیمت فلزات و محصولات پتروشیمی (به دلیل کاهش قیمت نفت) عاملی برای کاهش قیمت سهام این شرکت‌ها در بورس بود. به علاوه تشدید بحران، عدم اعتماد به آینده اقتصادی جهان و آثار روانی آن نیز بورس ایران را با یک وقفه چند هفته‌ای متأثر ساخت و با کاهش بیشتر قیمت فلزات و کالاهای پتروشیمی از مردادماه ۱۳۸۷، شاخص کل قیمت سهام روندی کاهشی را آغاز نمود.

کاهش درآمد دولت از ناحیه فروش نفت خام، احتمال افزایش نگاه درآمدی به خصوصی سازی را بیشتر نموده و این موضوع دورشدن از اهداف خصوصی سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را به دنبال خواهد داشت و این در حالی است که براساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، دولت از نگاه درآمدی به روند خصوصی سازی منع گردیده است.

ب) فرصت‌های پیش آمده برای جمهوری اسلامی ایران

همان گونه که گذشت، اگرچه بحران مالی اخیر چالش‌هایی را برای کشورمان پدید آورده و یا خواهد آورد اما در عین حال می‌تواند فرصت‌هایی را برای کشور به همراه داشته باشد. از جمله کاهش قیمت و درآمدهای نفتی این فرصت را برای کشور فراهم خواهد کرد که با کاهش وابستگی بودجه به نفت و تقویت سایر منابع درآمدی (به ویژه توسعه پایه مالیاتی) گام مهمی در جهت اصلاح ساختار اقتصاد تک‌محصولی کشور و به دنبال آن واگذاری فعالیت‌ها به بخش‌های غیردولتی برداشته شود. علاوه بر آن فرصت‌های دیگری در این میان برای اقتصاد کشور متصور است که می‌توان به برخی از آنها به شرح زیر اشاره نمود:

۱) آسیب پذیری بازارهای مالی اعم از منطقه یورو، شرق آسیا، آسیای مرکزی و حاشیه خلیج فارس که با کاهش ارزش سهام این مناطق روبرو بوده است، موجی از جریان‌های مالی خارجی را به کشورهای امن‌تر گسیل خواهد داشت. بنابراین امکان جذب بخشی از این سرمایه‌ها به داخل کشور وجود دارد. در این خصوص می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح و اعمال اصلاحات نهادی مناسب به

خصوصاً از منابع ایرانیان مقیم خارج از کشور که از بحران اخیر آسیب دیده‌اند و به سیستم مالی کشورهای بحران زده اعتمادی ندارند و معمولاً منشأ خروج سرمایه از کشور نیز بوده‌اند، بهره گرفت. جلسه اخیر ریاست محترم جمهوری با ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز در این راستا بوده است. ۲) می‌توان سهام یا محصولات شرکت‌های ورشکسته کشورهاییی که در بحران گرفتارند و با جمهوری اسلامی ایران رابطه دوستانه دارند را خریداری نمود که در این صورت با خرید سهام این گونه شرکت‌ها یا محصولات آنها می‌توان تکنولوژی جدید یا خطوط تولیدی پیشرفته را با کمترین قیمت ممکن به کشور وارد نمود.

۳) قیمت بسیار پایین دارایی‌های مالی خارجی، این امکان را به کشور می‌دهد تا بخشی از درآمدهای نفتی را به دارایی‌های مالی بین‌المللی تبدیل نماید.

۴) به دلیل کاهش قیمت برخی از کالاهای استراتژیک در این بحران می‌توان نسبت به خرید و ذخیره سازی آنها در کشور اقدام نمود تا در آینده که بحران فروکش می‌کند، از این راه صرفه‌ای عاید کشور گردد.

۵) بحران مالی بین‌المللی می‌تواند اجرای تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران را با ضمانت اجرایی کمتری همراه سازد و این امر، شرایط مناسبی را برای کاهش اثرات تحریم‌های خارجی به دنبال خواهد داشت.

جمع‌بندی و ارائه راهکار

همان گونه که گذشت، کاهش درآمدهای نفتی در نتیجه بحران اخیر مهمترین منبع اثرگذاری این رخداد جهانی بر اقتصاد کشور به شمار می‌آید اما در عین حال فرصت‌هایی را نیز در حوزه جذب سرمایه‌های خارجی، تأمین نیازهای وارداتی صنایع و تعامل با دیگر کشورها و

نهادهای منطقه‌ای ایجاد نموده است. به منظور مقابله با اثرات سوء این بحران و برای استفاده هرچه بهتر از فرصت‌های ایجادشده، اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱) با توجه به محدودشدن جریان اعتباردهی در بانک‌های خارجی، تأمین مالی تولیدکنندگان و واردکنندگان که بیشتر از تحریم‌های سیاسی نیز متأثر بوده‌اند، با دشواری بیشتری مواجه خواهد شد. لذا ارائه تسهیلات و تأمین مالی این فرآیند توسط شبکه بانکی داخلی ضرورت بیشتری می‌یابد.

۲) در حوزه ذخایر ارزی، بدیهی است که بانک مرکزی می‌بایست با بازنگری در ترکیب ذخایر ارزی و تبدیل آن به ارزهای بایات‌تر که از نوسانات کمتری برخوردارند، به مقابله با آثار بحران در این حوزه بپردازد. در این صورت انتخاب سبد ارزی مناسب برای دارایی‌های خارجی، امکان کسب سود از تحولات مالی بین‌المللی یا حداقل جلوگیری از واردآمدن زیان به منابع مالی کشور را فراهم می‌سازد.

۳) با تلاش برای گسترش همکاری‌های تجاری و پولی در چارچوب موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و پیمان‌های اقتصادی و پیگیری توافقات به‌عمل‌آمده به ویژه در

سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) و گروه هشت و با توجه به ساختار اقتصادی کشورهای عضو و امکان گسترش بازار مصرف در این کشورها، می‌توان با تبعات بحران در بخش بازرگانی تا حد زیادی مقابله نمود.

در مجموع باید گفت مواجهه با بحران اخیر مستلزم تدوین بسته سیاستی با لحاظ داشتن تمامی جوانب امر از جمله تدوین قوانین بودجه و برنامه‌های توسعه‌ای در راستای کاهش اتکای مستقیم به درآمدهای نفتی، متناسب‌سازی ساختار بانکی و نظام ارزی کشور با اقتضات جدید نظام مالی بین‌المللی، اصلاح قوانین و نهادهای بازار سرمایه در داخل برای تسهیل جذب سرمایه خارجی، تقویت فرآیندهای بازاریابی و تغییر بازارهای هدف صادراتی، تلاش در جهت تغییر ترکیب صادرات غیرنفتی به نفع صادرات محصولات با فناوری بالاتر و بسط مبادلات تجاری منطقه‌ای به ویژه با کشورهای دورمانده از بحران اخیر می‌باشد.

مجتبی‌رمضانی احمدآبادی - حسین داوری
اداره مذاکرات تجاری و انرژی
وزارت امور خارجه